



Research Paper

The Political-Social Consequences of Foreign Capital and Externalization of the Gilan's Economy in the Qajar Era

Hossein Abadian^{1*}, Saman Rahmani²

¹ Corresponding Author: Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. Email: abadian@hum.ikiu.ac.ir

² A PhD Candidate in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran. Email: saman.rahmany@ut.ac.ir

Abstract

During the industrial revolution in Europe, foreign investors and businessmen were drawn to the numerous business opportunities of Gilan, which subsequently became one of the first regions in Iran to begin the process of integration into the global economy. Indeed, this northern territory bordering the Caspian Sea attracted foreign investment in the economic sectors of fisheries, industry, agriculture and oil, particularly in the second half of the Qajar era. The trade routes of Gilan had been among the main highways for the importation of new consumer goods, and accordingly the customs authorities in Astara and Anzali played a unique role in the country's international trade. However, due to the weakness of the Iranian government that ultimately led to the fall of the Qajar Dynasty, this accumulation of capital in Gilan led to the expansion of the power and influence of this province in relation to the central government; and to some extent, it gained more autonomy from the national economy. The two research questions to be answered are: a) What was the nature of the process of economic externalization in Gilan in the late Qajar period? and b) What were the implications of this economic externalization for the social and political conditions of Gilan in the late Qajar period? In the research hypothesis, it is argued that the foreign capital injection into the economy of Gilan gradually led to its dependency on the global economy and

***How to Cite:** Abadian, Hossein; and Saman Rahmani. (2024, Winter) "The Political-Social Consequences of Foreign Capital and Externalization of the Gilan's Economy in the Qajar Era," *Fasl' nāmeḥ-ye siyāsāt (Politics Quarterly)* 53, 4: 625-650, <DOI:10.22059/JPQ.2024.366360.1008122>.

Manuscript received: 8 October 2023; final revision received: 28 February 2024; accepted: 11 March 2024; published online: 12 March 2024



© Authors retain the copyright. Publisher: University of Tehran Press.

concurrently helped it to gain relative economic independence from the national economy which in turn weakened the political influence of the central government over the local economic players. Data is collected by the use of the method of qualitative thematic analysis of historical records and documents in addition to exploring the findings of previous research on the subject. As the last decades of Qajar rule approached, Gilan was well on the threshold of becoming an industrialized province with more economic independence from the government in Tehran, due to the direct ties established between foreign investors and a score of Gilan's merchants and upper-class businessmen who no longer needed to be supported by the central government.

The authors' theoretical framework is based on Eric Wolf's study of the peasant revolts in the 20th century. His main argument is that the peasant revolts had occurred in the situations where the local economy-global economy linkage had resulted in the relative strengthening of the villagers and the creation of a large middle-class and wealthy peasants. At the same time, this linkage has led to the foreign powers' support for the 'rebel' region and consequently to the weakening of the central government's hold on that region. In the conclusion, it is stated that the foreign investors, notably Russia, created the economic dependency of merchants, peasants and artisans of Gilan by importing capital goods, establishing several factories and commercial offices, purchasing fertile land from the local. Russia also provided extensive military support for its loyal local allies in Gilan, and thus the central government's power in this province was severely weakened politically and militarily. As a result, the groundwork was put in place for the activities of opposition forces in Gilan in the period of 1905-1925.

Keywords: Capital Goods, Extroversion, Foreign Investment, Global Division of Labor, National Economy

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.



پیامدهای سیاسی - اجتماعی ورود سرمایه خارجی و برونگرایی اقتصاد گیلان در دوره قاجار

حسین آبادیان^۱ ID، سامان رحمانی^۲ ID

^۱ نویسنده مسئول: استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران. رایانامه: abadian@hum.ikiu.ac.ir
^۲ دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
رایانامه: saman.rahmany@ut.ac.ir

چکیده

همزمان با تحولات صنعتی در اروپا، گیلان به سبب ظرفیت‌های اقتصادی متعدد، مورد توجه سرمایه‌گذاران و تجار خارجی قرار گرفت و جزء نخستین مناطق کشور بود که جهت‌گیری اقتصاد آن به سوی جذب در اقتصاد منطقه‌ای با محوریت روسیه حرکت کرد. بر این پایه این منطقه به‌ویژه از نیمه دوران قاجار درگاه ورود سرمایه‌گذاران خارجی، در حوزه‌های شیلات، صنعت، کشاورزی و نفت بود. مسیر تجاری گیلان نیز از اصلی‌ترین شاهراه‌های ورود کالاهای نوین مصرفی بود که گمرکات آستارا و انزلی در آن نقش بی‌بدیلی داشتند. در عین حال به‌علت ضعف حکومت ملی در ایران، این انباشت سرمایه در گیلان، سبب قدرت‌یابی و تا حدی انفکاک آن از استقلال ملی شد که همین امر نیز موقعیت این منطقه را نسبت به حکومت مرکزی تقویت می‌کرد. پژوهش حاضر در پی پاسخگویی به دو پرسش زیر است: ۱. شکل‌گیری برون‌گرایی اقتصادی در گیلان در اواخر قاجار چه فرایندی را طی کرده است؟ و ۲. این برون‌گرایی اقتصادی چه تأثیری بر شرایط اجتماعی و سیاسی منتهی به اواخر قاجار در گیلان داشته است؟ در فرضیه پژوهشی استدلال می‌شود که نخست ورود جریان سرمایه خارجی به گیلان، کم‌کم موجب استقلال نسبی اقتصاد گیلان از اقتصاد ملی و وابستگی آن به اقتصاد جهانی به‌ویژه روسیه شد؛ دوم این استقلال نسبی خود موجب شد تا هزینه‌های ایستادگی در برابر حکومت به کمترین اندازه برسد و نفوذ سیاسی حکومت را در برابر قدرت‌های اقتصادی محلی (ایرانی یا غیرایرانی) کاهش دهد. در این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمونی کیفی داده‌های گردآوری‌شده از اسناد تاریخی و دستاوردهای پژوهش‌های پیشین، روند این برون‌گرایی اقتصادی در گیلان و پیامدهای سیاسی- اجتماعی آن بررسی خواهند شد.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد ملی، برون‌گرایی، تقسیم کار جهانی، سرمایه‌گذاری خارجی، کالای سرمایه‌ای.

* استناد: آبادیان، حسین؛ سامان رحمانی. (۱۴۰۲). «پیامدهای سیاسی - اجتماعی ورود سرمایه خارجی و برون‌گرایی اقتصاد گیلان در دوره قاجار»، فصلنامه سیاست، ۵۳، ۴: ۶۵۰-۶۲۵. <DOI: 10.22059/JPQ.2024.366360. 1008122>

تاریخ دریافت: ۱۶ مهر ۱۴۰۲، تاریخ بازنگری: ۹ اسفند ۱۴۰۲، تاریخ تصویب: ۲۱ اسفند ۱۴۰۲، تاریخ انتشار: ۲۲ اسفند ۱۴۰۲.



۱. مقدمه

گیلان به‌مثابه یکی از اقتصادی‌ترین مناطق ایران که از دیرباز به‌سبب حاصلخیزی و منابع فراوان نقش زیادی در اقتصاد سیاسی کشور داشته است، از اصلی‌ترین درگاه‌های توسعه ایران نیز محسوب می‌شد. در همین زمینه ورود سرمایه خارجی به گیلان از نیمه دوم قاجار به‌طور محسوسی شدت گرفت و طی زمان کوتاهی اقتصاد محلی را دچار تحولات گسترده‌ای کرد. پژوهش حاضر در پی یافتن پاسخگویی به این دو پرسش است که ۱. روند شکل‌گیری برون‌گرایی اقتصادی در گیلان در اواخر قاجار چه فرایندی را طی کرده است؟ و ۲. این برون‌گرایی اقتصادی چه تأثیری بر شرایط اجتماعی و سیاسی منتهی به مشروطه در گیلان داشته است؟ بر این پایه در فرضیه پژوهش استدلال می‌شود که نخست تحولات اقتصادی گیلان در پی این تحولات، به‌آهستگی موجب برون‌گرایی اقتصاد گیلان و به موازات، انباشت سرمایه در این منطقه شده است، به‌طوری‌که با نزدیک شدن به دهه‌های پایانی قاجار، گیلان ضمن قرار گرفتن در آستانه تبدیل به ناحیه‌ای صنعتی، به‌دلیل ارتباط مستقیم بسیاری از مالکان، تجار و طبقات بالا با سرمایه‌گذاران خارجی، حداکثر استقلال اقتصادی را از حکومت مرکزی داشته‌اند؛ دوم این همبستگی تقویت اقتصادی زمین‌داران و تجار مستقل از حکومت را موجب شد و در عمل مقدمات اقتصادی و اجتماعی ایستادگی این طیف در برابر حکومت را فراهم کرد، به‌طوری‌که در دهه‌های پایانی قاجار شاهد پیدایش گستره‌ای از طیف تجار - زمین‌داران گیلانی هستیم که املاک هریک از ایشان به لحاظ تأمین نیازهای اساسی، نیروی انسانی و گاهی نظامی تا اندازه زیادی از پشتیبانی حکومت بی‌نیاز بوده و در عین حال به‌طور کامل به سرمایه خارجی وابسته‌اند. این استقلال نسبی خود بستر تضعیف تسلط سیاسی حکومت مرکزی در گیلان و امکان قد علم کردن طبقات بالا و متوسط گیلانی در برابر حکومت را ایجاد کرد که نمود خود را در اعتراضات مشروطه، تبدیل گیلان به مرکز اصلی تغذیه مقاومت در دوره استبداد صغیر و پس از آن پیدایش جنبش جنگل، به نمایش بگذارد. اهمیت سیاسی - اجتماعی فرضیه مذکور در آن است که ضمن تبیین علت واگرایی بسیاری از طبقات بالای گیلان در دوره مشروطه و پس از آن نسبت به حکومت مرکزی، نقطه عطفی نسبت به تحلیل‌های مرسوم که وقایع گیلان را تنها به حضور رعایا و دهقانان طبقات پایین و ناشی از فقر و فلاکت فراگیر جامعه فرو می‌کاهند، به‌شمار می‌رود. برای پاسخگویی به پرسش‌های پژوهشی و آزمون فرضیه از روش تحلیل مضمونی کیفی داده‌های گردآوری‌شده از اسناد تاریخی و دستاوردهای پژوهش‌های پیشین استفاده شده است.

۲. پیشینه پژوهش

به دلیل نبود آمارنامه‌های منظم و رسمی، پژوهش‌های اقتصادی در مورد قاجار بسیار اندک هستند. شاید یکی از برجسته‌ترین آثار در این مورد، پژوهش‌های احمد سیف باشد که در اقتصاد ایران در سده نوزدهم و قرن گمشده اقتصاد و جامعه ایران در سده نوزدهم منتشر شده است. چارلز عیسوی در *تاریخ اقتصادی ایران* و احمد اشرف در کتاب *موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران دوره قاجاریه* (Ashraf, 1980). اطلاعات شاخصی را از وضعیت اقتصادی آن دوره در اختیار قرار می‌دهند. نورایی (۱۳۸۹) در تبیین مالکیت روس‌ها در سه شهر رشت، تبریز و استرآباد و رضوی پیرانشاهی (۱۳۹۶) در «پیامدهای اجتماعی و سیاسی روسیه در شمال ایران» به تشریح نقش‌آفرینی اتباع روسیه در شمال ایران می‌پردازند. کریمی گیلایه (۱۳۹۹) نیز در «وضعیت اقتصادی ابریشم گیلان در عصر ناصرالدین شاه» سعی در تبیین نقش ابریشم در ایجاد انگیزه برای تجارت خارجی جهت ورود و سرمایه‌گذاری در گیلان دارد (Karimi, 2020). Gilayeh, 2020). این تلاش در «نهادهای اقتصادی رشت در دوره قاجار» (Khalilifar, 2018) به کمال می‌رسد که در آن خلیلی‌فر توصیف مبسوطی را از شرایط اقتصادی رشت در آن دوره به عنوان مرکز گیلان ارائه می‌دهد. البته فارغ از منفی‌نگری صرف، برخی آثار هم با تأکید بر چارچوب‌های نظری خاص سعی در توصیفی نظام‌مند از چرخه معیوب اقتصادی آن دوره دارند. به طور نمونه، کاتوزیان با به کارگیری نظریه علیت دوری و فزاینده میردال، اگرچه آثار ارتجاعی انتقال سرمایه خارجی را در مجموع برای کل ایران بیش از آثار سرائیتی می‌داند، ولی با پذیرش مؤلفه‌هایی چون تجاری شدن اقتصاد کشاورزی، رشد تجارت خارجی مواد خام (به‌ویژه برنج، توتون، پنبه و تریاک)، گسترش کل سرمایه خارجی و تمرکز آن، به عنوان آثار سرائیتی، پیدایش این آثار را در مناطق خاص تمرکز سرمایه تجاری خارجی (که گیلان به طور مشخص از مصادیق بارز آن است) مثبت ارزیابی می‌کند (Katouzian, 1995: 93). ایشان بر آن است که بهبود وسایل ارتباطی، به‌ویژه خطوط تلگراف، عامل پیوستگی بیشتر اقتصاد سیاسی در مناطق تمرکز این سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی بوده است (Katouzian, 1995: 93). همچنین در اینجا لازم است به مقاله‌ای با عنوان «دهقانان غیرانقلابی در ایران» (Abrahamian, 2021) اشاره شود که با پذیرش پیدایش طبقات متوسط در گیلان دوره قاجار، بحران مشروطه و شورش‌های پس از آن در گیلان را ناشی از پیدایش این طبقه متوسط می‌بیند.

۳. چارچوب نظری پژوهش

با توجه به اهداف پژوهش به نظر می‌رسد بهره‌گیری از چارچوب نظری اریک ولف می‌تواند وضعیت اقتصادی آن دوره گیلان را ذیل سه مؤلفه «دهقانان متوسط»، «اقتصاد مبتنی بر بازار» و

«دولت ضعیف» صورت‌بندی کند. ولف بر آن است که دهقانان ثروتمند از آنجا که منافع پایداری دارند، به‌عنوان نماینده دولت، از وضع موجود پشتیبانی می‌کنند. آنچنان که ایشان به‌دلیل تمکن مالی و امکان قرض دادن به کشاورزان ضعیف و همچنین اجیر کردن کارگران بی‌زمین اقتدار کاملی در منطقه نفوذ خود دارند. در عین حال دهقان فقیر از هر حیث وابسته است. او برای تأمین معاش روزمره خود هرگز قابلیت ریسک ندارد و در نتیجه تمام سلطه‌پذیر است (Wolf, 1969: 291). در این بین دهقانان متوسط نه منافع چشمگیری در حفظ وضع موجود دارند (به‌سبب زمین و درآمد اندک) و نه واهمه زیادی از شوریدن علیه وضع موجود (چراکه از حداقلی از ایمنی معیشت برخوردارند) (Abrahamian, 2021: 65). به عقیده ولف «دهقانان متوسط از حداقلی از آزادی که لازمه شوریدن علیه ملاکان است برخوردارند» (Wolf, 1969: 291). بر این پایه مستقل بودن سیاسی و اجتماعی خود معلول استقلال اقتصادی خواهد بود. همان‌طور که علوی نیز به‌طور خلاصه بیان کرده است، از تجربه عملی انقلاب‌های روسیه و چین این‌طور برمی‌آید که از آغاز انقلاب، پرولتاریای روستایی و دهقانان فقیر، بر خلاف انتظار چندان مبارز نبودند، درحالی‌که مالکان جزء و دهقانان متوسط از همان زمان از زمره مبارزترین طبقات محسوب می‌شدند (Alavi, 2006: 28). پیدایش این طبقه خود مرهون اقتصاد آزاد و مبتنی بر عرضه و تقاضاست که از یک سو بازار روستا را به بازار داخلی و جهانی و متصل می‌کند و از سوی دیگر، وضعیت اقتصادی روستاییان را ارتقا می‌بخشد (Abrahamian, 2021: 66). این اتصال به عقیده ولف تبعات منفی نیز دارد و به‌سبب بی‌ثباتی، ناترازی بازارها، زیاده‌خواهی‌های بازرگانان شهری، وام‌های با بهره بالا و در نهایت ورشکستگی و مصادره اموال روستاییان، امنیت اقتصادی دهقانان متوسط را که در مرز استقلال اقتصادی قرار دارند، تهدید می‌کند (Wolf, 1969: 292). میگردان در این باره معتقد است که کشاورزی تجاری، ضمن اتصال تولیدکننده روستایی و مصرف‌کننده شهری، سلطه کامل ملاکان بر اقتصاد بسته روستا را از بین می‌برد و موجب برون‌گرایی روستاها می‌شود که این امر خود موجب فروپاشی اقتدار ملاکان بزرگ می‌شود (Migdal, 1974: 61-68). دهقانان متوسط، خود از مهم‌ترین عوامل زوال قدرت دولت مرکزی هستند. آنچنان‌که تجربه انقلابات موفق دهقانی نشان می‌دهد، همگی آنها در شرایطی پیروز شده‌اند که دولت مرکزی، در منطقه بومی محل شورش به‌شدت ضعیف شده است. همان‌طور که زاگوریا تأکید می‌کند، بسیاری از انقلاب‌های موفق، به‌ویژه در روسیه، چین، ویتنام و یوگسلاوی نه‌تنها بر اثر حرکت‌های نیروهای اجتماعی داخلی، مثل دهقانان متوسط، بلکه همچنین بر اثر حضور قدرت خارجی تسریع شده است (Zagoria, 1976: 321-326). فرانسیس فرگوسن نیز در مقاله «ارتباط‌های روستایی - شهری و رادیکالیسم دهقانی» نوشته است، شورش‌های روستایی به انقلاب‌های موفقی منجر نمی‌شود،

مگر آنکه رادیکال‌های شهری، دهقانان را در تشکیلات سياسی جمعی منسجم و همگونی بسیج کنند (Ferguson, 1976: 106-118).

۴. ورود سرمايه خارجی و انقلاب صنعتی در گیلان

تحول حمل‌ونقل به‌ویژه مقدمه ورود سرمايه خارجی به گیلان در دهه‌های پایانی قاجار بود و تاجار اروپایی مانند آلمان، اتریش و فرانسه کالاهای خود را از راه گیلان به ایران وارد کردند (Issawi, 1990: 221). در پی این روابط تجاری بسیاری از شرکت‌های خارجی مانند زیگلر، لازاروس پولیاکف^۱، لوید شمال آلمان، هامبورگ، خط آلمانی لوانت، شرکت برادران نوبل^۲، برادران ترسرسیسیان^۳، پرودینیک^۴، آلتون^۵، خوشتریان^۶ و بانک استقراضی ایران در رشت دفاتری دایر کرده بودند و بر سر گرفتن امتیازهای شرکت تجاری از ایران، با یکدیگر رقابت می‌کردند (Issawi, 1990: 565, 304, 277; Leitten, 1988: 118-121, 99-102, 71-72). در ۱۸۹۰م (۱۲۶۹ش) لازاروس پولیاکف روسی، امتیاز حمل‌ونقل به مدت ۷۵ سال اخذ کرد. پس از ایجاد دفاتر حمل‌ونقل کم‌کم راه برای سایر سرمايه‌گذاری‌ها فراهم شد. در ۱۹۰۸م (۱۲۸۷ش)، احداث خط لوله شانزده کیلومتری نفت چراغ به‌همراه رزرواتور در انزلی از سوی برادران نوبل موجب شد تا انتقال نفت رشت و انزلی امکان‌پذیر شود (Issawi, 1999: 91). ولی با گذشت زمان شرکت استاندارد اوایل انگلیس که در مناطق نفت‌خیز جنوب کشور فعال بود، توانست کم‌کم نسبت به رقیب روسی خود مزیت اقتصادی یابد و طی دوره ۱۹۱۲ - ۱۹۲۰م (۱۲۹۱ تا ۱۲۹۹ش) به‌طور کامل طرف روس را از بازار نفت شمال حذف کند (Khalilifar, 2018: 105). حذف تاجار روس موجب حذف ایشان از سایر حوزه‌های اقتصادی نشد. در ۱۹۱۹م (۱۲۹۸ش) خوشتریان تبعه روس توانست امتیاز راه‌اندازی وسایل موتوری را در هر چهار استان تهران، قزوین، همدان و رشت به‌دست آورد (Leitten, 1988: 56-57, 104).

در ادامه روس‌ها در پی احداث شرکت‌های تجاری برای واردات محصولات خود از راه این کریدورهای حملی افتادند. برای نمونه شرکت پروردینیک^۷، با دایر کردن سه شعبه در تبریز، رشت و تهران، اقلام لاستیکی نظیر کفش‌های گالشی وارد می‌کرد که در گیلان بسیار پرمصرف بود. شرکت لیازانوف به مرکزیت آستاراخان، نمایندگی خود در رشت را به فردی به نام ترسرسیسیان فرز سپرد (Leitten, 1988: 119-121).

1. Poliakoff
2. Nobel
3. Ter SarKissians
4. Provodnik
5. Alton
6. Khoshtaria
7. Provodnik

گرچه بیان نمونه‌های مذکور بدون درک تحولات بازار بین‌المللی و نقش گیلان در آن ناقص خواهد بود، چراکه این موارد نویددهنده آغاز ورود گیلان به بازار جهانی بودند. پس از ۱۸۶۹ م (۱۲۲۸ش) و بازگشایی کانال سوئز انقلابی در تجارت بین‌الملل ایجاد شد که موجب ورود ایران به تجارت بین‌المللی می‌شد (McDaniel, 1971: 37). این امر خود از یک سو با رشد مناسبات سرمایه‌داری و افزایش واردات، کالاهای خارجی با قیمت بسیار ارزان موجب اشباع شدن بازار داخلی شد و تولید را کاهش داد. از سوی دیگر، روستاییان نیز کشت خود را با جهت‌گیری نیاز بازار جهانی و تقاضای صادراتی هماهنگ کرده، به‌سوی کشت تجاری حرکت کردند. این امر که با انقلاب صنعتی در روسیه و قفقاز همزمان بود، در اواخر دهه ۱۸۸۰ م (۱۲۵۸ش) و اوایل دهه ۱۸۹۰ م (۱۲۶۸ش) بازار جدیدی برای محصولات ایران، به‌ویژه محصولات نواحی شمالی، فراهم آورد (Nashat, 1981: 60). به این ترتیب طی ۳۰ سال (۱۸۹۹ - ۱۸۶۹؛ ۱۲۷۸ - ۱۲۴۸ش)، محصولات پولی جای خود را به کشت سنتی داد و به گفته نوشیروانی، در سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۱ م (۱۲۷۹-۱۲۷۸ش)، «دیگر امکان معیشتی دانستن کشاورزی در ایران وجود ندارد، چراکه در این دوره، ادغام آن در اقتصاد کاملاً صورت گرفته و تجارت رشد زیادی یافته بود» (Noshirvani, 1982: 228).

این کشاورزی تجاری افزون بر اینکه موجب تبدیل تدریجی زمین به‌مثابه یک کالای تجاری شد، تأثیر دیگری نیز داشت و آن تلاش روسیه برای همراستا کردن زیرساخت‌های گیلان با مسیر توسعه صنعتی خود است. تسلط روسیه بر اقتصاد گیلان و تأثیر آن بر قطبی شدن فضا و نظام شهری منطقه افزون بر تجارت و بازرگانی با سرمایه‌گذاری‌های این کشور در تأسیسات، تجهیزات زیربنایی، مالی، ماهیگیری، صنعتی و راه‌سازی نیز همراه بود. تا جایی که به تعبیر آ.پوپوف سرمایه‌روسی در آستانه سده بیستم به «هموار کردن راه‌ها» در گیلان و ایران پرداخت (Issawi, 1990: 239). همان‌طور که گفته شد برای تحقق این امر در ۱۸۹۵ م (۱۲۷۳ش) «شرکت روسی جاده انزلی» امتیاز ساخت و راه‌داری جاده انزلی - رشت - تهران را اخذ کرد. این شرکت به لحاظ سهامی متعلق به از «شرکت بیمه حمل‌ونقل ایران» بود که آن هم از سوی «پولیاکف روسی» (مؤسس بانک استقراضی در ایران) در ۱۸۹۱ م (۱۲۶۹ش) به مدت ۷۵ سال امتیاز ایجاد دفاتر حمل‌ونقل را کسب کرده بود. جاده انزلی - رشت - تهران پس از پنج سال در ۱۹۰۰ م (۱۲۷۸ش) به بهره‌برداری رسید. حق راه‌داری و خدمات پستی در این جاده پس از بهره‌برداری به‌وسیله «شرکت جاده انزلی» به شرکت روسی دیگری اجاره داده شد. پیشتر اشاره شد که امتیاز راه‌اندازی وسایل نقلیه موتوری نیز به روسی دیگر به نام «خوشتاریا» واگذار شد (Motazed, 1987: 445-446).

در همین زمان، «شرکت لایروبی بندر انزلی» نیز با امتیاز ۷۵ ساله تعمیر و تجهیز بندر انزلی تأسیس شد که سهام آن متعلق به شرکت روسی جاده انزلی بود و کار خود را از ۱۸۹۵م (۱۲۷۳ش) آغاز کرد. لایروبی دهانه بندر، موج‌شکن لنگر و نصب فانوس دریایی اقداماتی بود که بلافاصله از سوی این شرکت انجام شد (Rabino, 1987: 161). پس از تأسیس موج‌شکن و لایروبی دهانه خلیج، کشتی‌ها به استثنای روزهای توفانی شدید می‌توانستند به بندر وارد شوند و در لنگرگاه آن لنگر بیندازند (Leitten, 1988: 108). روسیه بین سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۳ (۱۲۸۳-۱۲۹۱ش) میلادی ۱/۳ میلیون روبل برای تعمیر بندر انزلی سرمایه‌گذاری کرد و نیز یک طرح دو تا پنج میلیون روبلی پیاده کرد که شروع جنگ اول جهانی آن را متوقف ساخت (Issawi, 1990: 247). بدین ترتیب بود که بندر انزلی در تمام سواحل ایران تنها بندری شد که پیش از جنگ اول جهانی به‌دقت بازسازی شده و استفاده می‌شد (Issawi, 1990: 236). تأسیسات زیربنایی مذکور اهمیت مهمی به گیلان به‌ویژه محور انزلی - رشت به‌عنوان دروازه ورودی کشور در آغاز سده بیستم بخشید. در جدول ۱ مرور مختصری بر کارخانه‌های تأسیس‌شده در گیلان آن روز داشته‌ایم.

جدول ۱. برخی از کارخانه‌های تأسیسی در گیلان با سرمایه خارجی

ردیف	نوع کارخانه	محل احداث	شمار	سرمایه
۱	چوب‌بری	پیربازار-رشت	۳	روسیه
۲	پنبه‌پاک‌کنی	بارفروش	۱۷	روسیه
۳	بلورسازی	رشت	۱	بلژیک
۴	ابریشم‌تابی	رشت-برکاده	۱	روسیه-فرانسه
۵	روغن‌زیتون	رودبار	۱	روسیه
۶	برق	انزلی-رشت	۳	روسیه
۷	تأسیسات نفت	انزلی-آستارا	۵	روسیه
۸	شیلات	انزلی	۱	روسیه
۹	کشتی‌سازی	انزلی	۱	روسیه
۱۰	راه‌سازی	رشت-انزلی	۴	روسیه
۱۱	وسایل موتوری	رشت	۱	روسیه
۱۲	لاستیک	رشت	۱	روسیه
۱۳	صابون	رشت	۱	روسیه
۱۴	آهن‌گری	رشت	۱	روسیه

Source: Row1-3 Torabi Farsani, 2005: 84-88; Row4 Jamalzadeh, 1956: 94; Row5-7;) Ashraf, 1980: 99; Row8-11 Kazembeigi, 2019: 168; Row12 Leitten, 1988: 119; Row13 (Khalilifar, 2018: 106; Row14 Fakhteh-Jobneh, 1992: 259

۵. شیلات، نفت و جنگل، زیربنای تولد صنعت مدرن در گیلان

توسعه بندر انزلی مقدمه‌ای شد برای یکی از عرصه‌های مهم سرمایه‌گذاری روسیه در گیلان. در ۱۸۷۶م (۱۲۵۴ش) «استپان لیانازوف» بازرگان ارمنی تبعه روسیه، شیلات را از سپهسالار اجاره کرد (Azimi Dobakhshari, 2012:92). این اجاره سال به سال تمدید شد و حتی با برکناری سپهسالار از صدراعظمی و واگذاری شیلات به کامران میرزا نایب‌السلطنه ناصرالدین‌شاه به‌طور مکرر تمدید شد (Documents of the Ministry of Foreign Affairs, 2001, No89:213)، زیرا شیلات «برای اتباع روس که دارای وسایل بهتری برای صید، حمل‌ونقل و فروش بودند، فواید زیادی داشت و به همین جهت چون در اغلب مواقع اتباع روس (به هنگام مزایده) اجاره بیشتری می‌پرداختند، اتباع ایران نمی‌توانستند با آنها رقابت کنند» (Azimi Dobakhshari, 2012:92). تمدید اجاره و امتیاز شیلات برای لیانازوف و خانواده او تا انقلاب اکتبر ادامه یافت، به‌طوری‌که به‌سبب نقش عمده آن در ایجاد اشتغال و درآمد برای بومیان گیلان، هرگاه میان این شرکت و خوانین محلی به‌ویژه کارگزاران تالشی اختلاف پیش می‌آمد، دولت ایران رأساً برای مطالبات شرکت وساطت می‌کرد (Documents of the Ministry of Foreign Affairs, 2001, No97:237). این تأسیسات که نقش مهمی در تحول صنعتی در گیلان داشت، تمام سواحل گیلان را از آستارا تا لنگرود پوشش می‌داد. برای نمونه اوژن او بن سیاح فرانسوی که در ۱۹۰۶م (۱۲۸۴ش) از اردبیل به آستارا مسافرت می‌کرد، در سفرنامه خود توصیف دقیقی از جزییات سرمایه‌گذاری روس‌ها در صنعت شیلات دارد:

«آستارا یکی از پایگاه‌های عمده شرکت لیانازوف است. تأسیسات شیلات در خارج شهر احداث شده است. دفترها، محل سکونت مدیر و کارکنان، خانه‌های کارگران، یک بیمارستان هفت تختخوابی، بنگاه‌های ساخت و تعمیر کشتی، سکوی خشک کردن تور ماهیگیری، همه در آنجا مستقر بود. همه ۱۲ لنگرگاه ماهیگیری از آستارا تا انزلی به‌وسیله تلفن به هم متصل و مرتبط بودند. در آستارا ۴۰۰ عمده مشغول بودند که نیم آنها روس و مشغول به امور فنی بودند» (Owen, 1983:547).

این میزان ورود سرمایه موجب شده بود که گیلان آن زمان به لحاظ زیرساختی به یکی از پیشرفته‌ترین نواحی ایران تبدیل شود، به‌طوری‌که برای نمونه تمام ساحل گیلان از آستارا تا لنگرود به‌وسیله سیم تلگراف و تلفن به هم وصل شده بود. نیکیتین نیز به‌هنگام رفتن به حسن کیاده (کیاشهر)، از سواحل بین انزلی و حسن کیاده در ۱۹۱۳م (۱۲۹۱ش) گزارش کرده است که «سرکارگران ماهیگیر روسی عبور ما را قدم به قدم به حسن کیاده اطلاع می‌دادند» (Nikitin, 1977:141) و در خاطراتش هنگام بازدید از حسن کیاده یادآور شد که:

«در حسن کیاده لیانازوف برای تهیه خاوریار بنگاهی دارد مدیر بنگاه لیانازوف از روی رغبت تمام مؤسسات را به ما نشان داد که همه خوب و در نهایت نظافت بودند.

کشتی‌های کوچک و کشتی‌های بخاری در ساحل حسن کیاده لنگر انداخته بودند. از این نقطه به وسیله خط تلفن تا سرحد روسیه ارتباط برقرار بود» (Nikitin, 1977: 140).

شرکت لیانازوف در لنگرود نیز پایگاهی داشت. در این شهر کارگزار شرکت، همان مأمور کنسولگری روسیه بود. این شهر نیز از راه تلفن با چمخاله مرتبط بود و از آنجا از راه سیم تلگراف تا آستارا تمام صیدگاه‌های ساحلی با هم در ارتباط بودند (Rabino, 1987: 397).

بزرگ‌ترین تأسیسات شرکت لیانازوف در انزلی استقرار یافته بود که این شهر را به یک شهر صنعتی تبدیل کرده بود. «میلسپو» رئیس کل مالیه ایران (در سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۲۲ م / ۱۳۰۶-۱۳۰۱ ش) که خود این تأسیسات را در سال‌های نخست مأموریتش دیده، چنین می‌نویسد:

«شرکت لیانازوف در نقاط مختلف از ساحل دریای خزر از جمله در آستارا، پهلوی (انزلی)، حسن کیاده، قره‌سو، مشهدسر (بابلسر) و مروین تأسیسات گوناگونی بر پا کرده بود که در میان آنها تشکیلات موجود در بندر پهلوی، آن‌طور که من دیده‌ام از همه مهم‌تر می‌باشد. در آنجا چندین انبار، اسکله، مخزن دود زدن ماهی، سردخانه، یک کارخانه مدرن مولد برق، یک بیمارستان، کتابخانه و سالن‌های متعدد برای کارمندان وجود دارد که روی هم‌رفته بندر پهلوی را به صورت یک شهر صنعتی تمام‌عیار جلوه‌گر نموده است» (Millsaugh, 1977: 261).

در ظاهر ارزش این تأسیسات تنها در بندر انزلی در ۱۹۱۹ م (۱۲۹۸ ش) از سوی کمیسونی که از جانب دولت ایران مأمور شده بود بالغ بر ۱۴ میلیون دلار تخمین زده شد (Azimi Dobakhshari, 2012: 93). وجود چنین زیرساخت پرهزینه‌ای برای منطقه‌ای که در مجموع در آن زمان کمتر از یک میلیون نفر جمعیت داشت، خود گواه صرفه اقتصادی جدی سرمایه‌گذاری زیربنایی در گیلان بوده است.

جنگل‌های گیلان نیز عرصه دیگری برای هجوم سرمایه خارجی به این منطقه بود. در اینجا نیز روسیه و شرکت‌های تحت حمایت آن اولویت داشتند، زیرا:

«مسئله اصلی تنها قطع درختان جنگل نبود، بلکه می‌بایست در مناطق غیرقابل عبور و سکونت، افزون بر گشایش راه، خانه‌ها هم ایجاد می‌شد تا امکان انتقال ماشین‌آلات فراهم شده، پس از قطع درختان چوب آن را به بنادر ساحلی انتقال دهند و سپس آنها را از طریق بندر حاجی طرخان به اروپا صادر کنند» (Curzon, 1990: 599).

به همین سبب امتیاز بهره‌برداری از جنگل‌های گیلان روی هم‌رفته تنها برای شرکت‌های اتباع روسی و یا شرکت‌هایی که تحت حمایت روسیه، کشوری که بسیاری از تأسیسات زیربنایی گیلان تحت کنترل آن قرار داشت، سودآور بود (Leitten, 1988: 127-128). از این رو بود که شرکت یونانی برادران کوسیسی که تحت حمایت دولت روسیه قرار داشت و اتباع روسی نظیر «تقی اف»، «ماییکوف» (میلیونر بادکوبه‌ای)، «اولین کف» و دیگر اتباع روسی هر کدام موفق به

دریافت امتیاز بهره‌برداری از بخش‌هایی از جنگل‌های گیلان شدند (Leitten, 1988: 127).
 (Rabino, 1987: 45; Ashraf, 1980: 63). اصلی‌ترین شرکت سرمایه‌گذاری در جنگل‌های گیلان شرکت «خوشتاریا» تبعه روس بود که طی قراردادی جامع با شخص ناصرالدین‌شاه بر جنگل‌های گیلان سلطه یافت (Documents of the Ministry of Foreign Affairs, 2001, No 123: 281). او به کمک نکراسف سرکنسول روسیه در رشت توانست در ۱۹۱۱م (۱۲۹۰ش) امتیاز عمده جنگل‌های گیلان را کسب کند. او پس از آن با مشارکت «اولین کف» توانست شرکت مشارکتی صنایع چوب ایران و روس را با سرمایه ۱۳۰ هزار روبل در ۱۹۱۲م (۱۲۹۱ش) تأسیس کند. در ضمن شرکت دارای کارخانه برق با کابل سیم زیرآبی در انزلی و غازیان بود که ۱۵ کارگر داشت. سرمایه شرکت خوشتاریا در ۱۹۱۷م (۱۲۹۵ش) به حدود ۲۰ میلیون روبل افزایش یافته بود (Ashraf, 1980: 63-64). این سرمایه‌گذاری‌ها تنها موجب ایجاد زیرساخت در قلمرو شمالی ایران نمی‌شد، بلکه بستر مناسبی نیز برای ورود موج بزرگی از سرمایه مصرفی، کالاهای لوکس و امکانات نوین پدید می‌آورد که مورد استفاده صاحبان این تأسیسات و طبقه تجار و نخبگان مرتبط با ایشان قرار می‌گرفت که در نتیجه در نگاه توده جامعه گیلانی و گرایش آنان به مصرف‌گرایی در دنیای مدرن بسیار مؤثر بود. برای نمونه نیکیتین از اعضای کنسولگری روسیه در رشت در ۱۹۱۴م (۱۲۹۳ش) نوشت: «خوشتاریا با مخارجی گزاف عمارت مجللی به سبک کاخ‌های ایوان‌دار هندی در جزیره میان پشته [در دهانه مرداب انزلی] ساخته که شب‌ها در نور الکتریک غرق بود. در پهلوی آن نیز یک کارخانه بزرگ اهره‌کشی بنا کرده بود» (Nikitin, 1977: 105).

صنایع جنبی نفت نیز در انزلی ایجاد شده بود «در آنجا مؤسسه مثل نجارخانه و حلبی خانه هم وجود داشت. نجارها جعبه می‌ساختند و حلبی‌سازها هم پیت می‌ساختند. اینها بار الاغ و قاطر و شتر عازم تهران می‌شدند. مؤسسه‌ای هم در رشت داشتیم که در آنجا خرده‌فروشی می‌کردیم» (Fakhraei, 1992: 6). همان‌طور که گفته شد شرکت سوئدی نوبل که تحت‌الحمایه روسیه بود، بیشتر صنایع نفتی بادکوبه را در اختیار گرفته بود. این شرکت دارای هفت انبار نفت بسیار مجهز بود و شبکه کاملی برای توزیع نفت [در ایران] ترتیب داده بود (Ashraf, 1980: 64). شرکت نفتی نوبل در ۱۹۱۱م (۱۲۸۹ش) موفق شد از مجلس ایران بنا به پیشنهاد دولت امتیاز کشیدن لوله نفت را از انزلی به رشت اخذ کند (Leitten, 1988: 118). گسترش سرمایه‌گذاری‌های نفتی در گیلان و سراسر ایران موجب شده بود تا در آستانه جنگ اول جهانی «لومیتسکی» سیاح روسی بنویسد که «اگر روزی جریان نفت روسیه به ایران قطع شود، سراسر ایران در تاریکی فرو خواهد رفت» (Motazed, 1987: 434).

از دیگر مؤسسات مهمی که در امر سرمایه‌گذاری و تجارت در گیلان نقش پراهمیتی داشت، بانک استقراضی روسیه بود که شعبه‌ای از مالیه روس به‌شمار می‌آمد و در حقیقت مکمل سرمایه‌گذاری‌های مذکور شمرده می‌شد (Jamalzadeh, 1956:104). این بانک نخست با عنوان «انجمن استقراضی ایران» از سوی پولیاکف اقتصاددان روسی در ۱۸۹۰م (۱۲۶۸ش) تأسیس شد و سپس دولت روسیه هنگامی که این انجمن در حال ورشکستگی بود، در ۱۸۹۴م (۱۲۷۲ش) سهام آن را خرید و با گسترش فعالیت آن در ۱۹۰۲م (۱۲۸۰ش) به «بانک استقراضی ایران» تغییر نام داد (Motazed, 1987:453-454).

۶. انحصار سرمایه روسی و جدایی اقتصاد گیلان از حکومت مرکزی

با توجه به مطالب پیش‌گفته ماهیت روابط تجار روس با مردم گیلان به‌ویژه کشاورزان، صیادان و پیشه‌وران به‌گونه‌ای شد که مزیت‌های رابطه با ایشان کم‌کم نسبت به تجار داخلی تبلور بیشتری یافت. نمونه این امر را در مورد کشت پنبه امریکایی به‌آشکاری می‌توان دید. تجار روسی و ایرانی، ضمن تأمین مالی، بذر پنبه امریکایی را نیز در اختیار کشاورزان قرار می‌دادند تا ایشان را ترغیب کنند. در نتیجه، اندکی بعد نه‌تنها در گیلان، بلکه در بندر گز و استرآباد نیز کشت پنبه امریکایی رونق یافت و حتی روستاییانی که به پرورش اسب مشغول بودند، اسب‌ها را فروختند و به کشت پنبه مشغول شدند (Rabino, 1987:113). اورسل^۱، گزارش داد که همه‌روژه قایق‌های متعدد باری بارگیری پنبه به مشهدسر (بابلسر) می‌آمدند و محموله‌ها را به کشتی‌های تجاری لنگرانداخته می‌رساندند (Orsolle, 2003:327). البته ریشه نفوذ روسیه در مناطق شمالی را باید در امتیازهایی دانست که پس از جنگ‌های ایران و روس به این کشور داده شد. طبق فصل هشتم قرارداد ترکمانچای «غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر نمی‌توانست در بحر خزر کشتی جنگی داشته باشد»، طبق فصل دهم «برای دولت روس این اختیار وجود داشت که هر جا مصلحت تجارت اقتضا کند، کنسول‌ها و حامیان تجارت را تعیین کند» (Behzadi and Kasravi, 2003:50 and 55). بر پایه فصل سوم ضمیمه تجاری قرارداد «از هرگونه متاعی که در دو مملکت به‌وسیله تجار آورده و یا بیرون برده می‌شد تنها یک‌دفعه به میزان پنج درصد گمرک گرفته می‌شد و بعد از آن هیچ‌گونه گمرک دیگری از ایشان مطالبه نمی‌شد» و سرانجام طبق فصل پنجم ضمیمه تجاری «به تبعه روس در ایران اذن داده می‌شد که خانه برای سکنی و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت، هم اجاره نمایند و هم به ملکیت تحصیل کنند» (Behzadi and Kasravi, 2003:101). این تحولات زمینه‌ای را فراهم کرد تا گیلان با سرعت بیشتری در مدار وابستگی قرار گیرد و گام به گام به یکی از بخش‌های پیرامونی اقتصاد

1. Orsolle

نوظهور سرمایه‌داری روسیه تبدیل شود تا جایی که «مرویل انتنر»^۱ در تشریح وضعیت آن روز گیلان و حتی ایران، آن را «امپریالیسم روبل» نامیده است (Foran, 2010: 175). با توسعه صنعتی گیلان به همراه اقدام‌های دیگری که این کشور در زمینه زیرساخت‌های حمل‌ونقل انجام داد، قدرت رقابت تجاری در نیمه شمالی کشور به‌طور قاطعی به نفع روسیه رقم خورد و قراردادهای جامعی در حوزه حمل‌ونقل و زیرساخت راه‌سازی با روس‌ها منعقد شد (Documents of the Ministry of Foreign Affairs, 2001, No105: 252). شاید در این زمینه دیدگاه پاولویچ^۲، جمع‌بندی خوبی را در مورد سرمایه‌گذاری زیربنایی در حوزه حمل‌ونقل گیلان ارائه دهد: «روسیه در ولایات شمال ایران شروع به ساختن شوسه مهمی نمود. از راه‌های شوسه جدید که از سوی روس‌ها ساخته می‌شد، مصنوعات روسی وارد ایران می‌شد و کالاهایی را که از آسیای صغیر و خلیج فارس وارد می‌شدند، تحت‌الشعاع قرار می‌داد. گذشته از این، شوسه‌هایی که به دست روس‌ها ساخته می‌شد، برای مبادلات داخلی ایران نیز شریان حیاتی حمل‌ونقل محسوب می‌شد» (Pavlovich and et al, 1978: 27). این سرمایه‌گذاری به‌حدی در سلطه اقتصادی روس‌ها بر ایران مؤثر بود که بر پایه برآورد او: «در ۱۸۹۵م (۱۲۷۳ش)، از تمام کالاهایی که به ایران وارد می‌شد، ۱۵ درصد از روسیه و ۷۰ درصد از انگلستان و در ۱۹۰۵م (۱۲۸۳ش)، یعنی ده سال بعد، از صادرات انگلیس به ایران ۲۷/۵ درصد کم شده و به صادرات روس به ایران ۳۹/۵ درصد افزوده می‌شود. در آستانه جنگ اول جهانی، روسیه در تجارت خارجی ایران، نقش اول را بازی می‌کرد، بدین‌قرار که در سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۱۰ (۱۲۸۹-۱۲۸۸ش) واردات ایران از کشورهای خارجی اروپا و آسیا در مجموع ۸۷ میلیون منات بوده و از این مبلغ ۳۹ میلیون منات مربوط به تجارت با روسیه بود؛ یعنی در حقیقت صدی ۴۶ واردات ایران از روسیه بود» (Pavlovich and et al, 1978: 29). «ابوت» کنسول انگلیس در رشت در ۱۸۶۹م (۱۲۴۷ش) در همین زمینه نوشت: «بین ناحیه گیلان و بریتانیا تجارت مستقیم وجود ندارد. روسیه تنها کشور خارجی است که با گیلان به‌طور مستقیم تجارت می‌کند» (Abbott, 1996: 336).

گام بعدی روسیه توقف ترانزیت آزاد کالاهای اروپایی از راه روسیه در ۱۸۸۳م (۱۲۶۱ش) بود که به تجار روسیه امکان داد تا رقبای اروپایی خود را از این بازار حذف کنند (Issawi, 1990: 222). گام مهم دیگر این بود که روسیه «برای جلوگیری از ورود کالاهای انگلیسی به شمال ایران طی تعهدی که در ۱۸۹۰م (۱۲۶۸ش) از شاه گرفت، مقرر شد که در ایران هیچ‌گونه شبکه راه آن احداث نشود و این تعهد تا دهه ۱۹۲۰م (۱۲۹۸ش) به قوت خود

1. M. Entner

2. pavlovich

باقی بود» (Foran, 2010: 33) و سرانجام روسیه با بستن قرارداد تعرفه گمرکی در ۱۹۰۲م (۱۲۸۰ش) با ایران که در آن، تعرفه گمرکی کالاهای اصلی وارداتی روسیه کاهش چشمگیر یافته بود، تسلط کامل خود را بر تجارت و اقتصاد شمال ایران تثبیت کرد. این قرارداد ضمیمه‌ای بر قرارداد بخش تجاری ترکمانچای محسوب می‌شد (Motazed, 1987: 420-429).

این مجموعه گام‌ها، شرایطی پدید آورد تا کنترل کامل بازارهای شمال به‌ویژه گیلان به دست روسیه افتد. در این شرایط تنها در مواردی کالاهای انگلیسی می‌توانست امکان رقابت پیدا کند که مرغوبیت آن هزینه‌های سنگین حمل‌ونقل را جبران کند (Curzon, 1990: 662). در راه‌های تجاری شمال هیچ کشوری قادر به رقابت با روسیه نبود. دیپلمات ایران‌شناس انگلیسی در ۱۸۹۲م (۱۲۷۰ش) نوشت: «دو مسیر روسیه را به تهران متصل می‌کند. یک راه کاروانی رشت - انزلی و دوم مشهد سر - تهران است. راه دوم گران‌تر و بی‌نظم است، ولی مسافت را کوتاه‌تر می‌کند. روسیه در این دو جاده هیچ رقیبی ندارد» (Curzon, 1990: 675). با تسلط کامل تجاری روسیه بر گیلان در اواخر سده نوزدهم، شهرهای انزلی و رشت به انبار کالاهای روسیه تبدیل شد. در روایت دیگری ژاک دمرگان در ۱۸۹۰م (۱۲۶۸ش) به‌هنگام بازدید از گیلان نوشت:

«رشت شهر مهم گمرکی شمال ایران است. کشتی‌های تجاری روس کالاها را به انزلی آورده و از طریق قایق‌هایی به پیر بازار (در ۱۲ کیلومتری شمال رشت) حمل و تخلیه می‌کنند و کاروان‌هایی که از دره سفیدرود تا قزوین و از آنجا به تمام ایران می‌روند، بدین جا می‌آیند. رشت انبار بزرگ همه کالاهایی است که از ایران آمده و به روسیه می‌روند و یا از روسیه به مقصد ایران صادر می‌شود» (Azimi Dobakhshari, 2012: 89).

همچنین رنه دالمانی در ۱۹۰۷م (۱۲۸۵ش) به‌هنگام عبور از راه قزوین به رشت در خاطرات خود نوشت:

«ما اتصالاً به دسته‌های الاغ با قطار، شتر و قاطر برمی‌خوریم که مال‌التجاره حمل می‌کنند، این حیوانات بیشتر چلیک‌های نفت را که از بادکوبه به رشت وارد شده است، به داخل ایران حمل می‌کنند. شب گذشته در منطقه رودبار ما به قطاری از شتران برخوردیم که پنج تا شش ساعت طول کشید تا از کنار وسایل نقلیه ما عبور کنند» (D'allemagne, 1956: 1126).

این نفوذ در همین جا متوقف نشد و به‌تدریج به‌جایی رسید که اتباع خارجی به‌ویژه روس‌ها فضا را برای استقرار همیشگی خود در شمال ایران فراهم ببینند. این استقرار نیز نه از راه تصرف نظامی و جنگ، بلکه رفته‌رفته و به‌واسطه حضور مالکانه در آن دیار به‌وقوع پیوست؛ به‌دلیل مزیت اقتصادی زمین‌های گیلان، بسیاری از اتباع روس حتی به‌جای مطالبات خود از

ایرانیان، متمایل به تهاتر زمین بودند، تا جایی که ایوانوفسکی^۱، کنسول دولت روسیه، در نامه‌ای خطاب به منجم‌باشی، حاکم گیلان، تهاتر یک زمین را از یکی بدهکاران گیلانی می‌پذیرد و آن را جز اموال سفارت روسیه اعلام می‌کند (Document No. 16345/296, Ivanovski's (n.d.) Letter to Monajem'bāshi). کم‌کم خارجی‌های مقیم نیز در کنار بزرگ‌ترین مالکان منطقه محصول را پیش از فصل خریداری کرده، ولی قیمت نهایی را موکول به زمان برداشت می‌کردند. در عوض ضمن پیش‌پرداخت قسمتی از بهای نهایی، امنیت معاش کشاورزان را تا حدی نسبت به عوامل طبیعی نظیر سرمازدگی، آفات و بیماری‌های تأمین کنند. در عین حال در زمان برداشت کشاورز مجبور بود محصول خود را به قیمت کمتری به تاجر بفروشد (Nadi and et al, 2018: 289). رواج این سنت کشاورزان ایرانی را که به‌شدت آسیب‌پذیر بودند، به تاجر خارجی بسیار وابسته کرد (Kulagina, 1980: 60). در این زمینه تاجران ایرانی نیز با خارجی‌ها همراه می‌شدند و محصولات زارعان را پیش‌خرید و صادر می‌کردند؛ درحالی‌که در زراعت سهمی نداشتند (Abdollahyov, 1982: 239-240). به عبارت دقیق‌تر تاجر و کسبه محلی که روس‌ها را بازیگری امنیت‌ساز و همسو با رونق هرچه بیشتر بازار محلی می‌دیدند، کم‌کم به کنسولگری‌های روس وابستگی پیدا کردند. حتی در بعضی شهرها تاجر به‌طور سالانه مبلغی را برای تأمین امنیت مالی به کنسولگری‌های منطقه‌ای می‌پرداختند (Foran, 2010: 179). حتی در بسیاری موارد که حکومت به‌منظور تنظیم بازار اقدام به منع صادرات محصولات کشاورزی به روسیه می‌کرد، تاجر ایرانی اعتراض می‌کردند و از راه‌های مختلف به دولت برای آزادسازی فشار می‌آوردند که این امر در اسناد مختلفی بازتاب یافته است (Document No: 14-127-40M, (n.d.) آنچنان‌که این فشارها به‌طور آشکار خود را در برهه‌های مختلف در مشروح مذاکرات مجلس نمود داده است و نمایندگان در اثر فشار تاجر به دفاع از آزادسازی محصولاتی چون برنج پرداخته‌اند (eslāmi, Session 154: April Detailed Documents of the Fifth Majles-e shorā-ye "1925 and Session 105: 29 November 1925 and Session 103: 1 January 1926). این همسویی گاه حتی به‌نوعی اتحاد صنفی میان تاجر روس و تاجر شمالی تبدیل می‌شد که برای تحقق مطالبات خود به‌طور هماهنگ به دولت مرکزی فشار می‌آوردند. آنچنان‌که در یکی از تلگراف‌های اقتدارالدوله (رئیس گمرک مشهدسر) مشاهده می‌شود که تاجر ایرانی این ناحیه به‌دنبال اعتصاب کرجی‌های روس دست به تحصن زدند و موجب اخلال در امور بندر شدند (Document No: 12791-0-N, (n.d.) این اتحاد خود حاکی از سود هنگفتی است که در بطن این زنجیره نوپدید نهفته بود. تا جایی که در گزارش یکی از مقامات نظامی گیلان در آن دوره مشاهده می‌شود که تاجر با خرید برنج ۵ قرانی در ایران، در روسیه آن را ۲۵ قران

1. Ivanovsky

فروخته و در مسیر برگشت با خرید ۳۰ قرانی قند در باطوم، آن را حدود ۶۰ تا ۷۰ قران در ایران می‌فروشدند» (n.d., "File Folder 108-102:1302").

به این ترتیب، روس‌ها از نیمه دوران قاجار کمابیش به‌طور کامل در بازارهای محلی هضم شدند و تفکیک ایشان از تجار بومی امکان‌پذیر نبود. به‌ویژه اینکه شهرها و بازارهای محل آمد و شد روس‌ها به‌سبب تضمین امنیت مالی و نظامی از رونق خوبی برخوردار بود (Hasannejad, 2019: 47). بانک استقراض روسیه خود یکی از نهادهای کلیدی گسترش اراضی تحت مالکیت روس‌ها در ایران بود و به‌زودی املاک زیادی را به رهن گرفت، وارد معاملات تجاری شد و وام‌های سنگینی را به دولت و تجار قاجار داد. این بانک در ۱۹۱۴م (۱۲۹۳ش) معادل ۱۲۷ میلیون روبل سرمایه داشت که از همه سرمایه‌گذاری‌های دولت بریتانیا و اتباع آن در ایران در آستانه جنگ جهانی اول افزون‌تر بود (Foran, 2010: 178). بدین ترتیب «روسیه تزاری در میان بازرگانان و به درجه‌ای کمتر، در میان ایلات و دهقانان شمال کشور نفوذ فراوانی داشت و این همه راه نفوذ آن کشور را به دربار قاجار هموار می‌نمود» (Foran, 2010: 178).

جدول ۲. سهم سالیانه روسیه از بازار ایران ۱۹۰۱-۱۹۲۴ (درصد)

ردیف	سال	واردات (درصد)	صادرات (درصد)
۱	۱۹۰۱-۱۹۰۲	۳۸	۵۸/۷
۲	۱۹۰۲-۱۹۰۳	۴۳/۷	۶۵/۳
۳	۱۹۰۳-۱۹۰۴	۴۸	۶۱
۴	۱۹۰۴-۱۹۰۵	۴۸/۶	۵۷/۴
۵	۱۹۰۵-۱۹۰۶	۵۰/۳	۶۷/۳
۶	۱۹۰۶-۱۹۰۷	۵۱/۶	۶۳/۸
۷	۱۹۰۷-۱۹۰۸	۴۵/۶	۶۳/۹
۸	۱۹۰۸-۱۹۰۹	۴۸/۱	۷۰/۵
۹	۱۹۰۹-۱۹۱۰	۵۱	۷۰/۷
۱۰	۱۹۱۰-۱۹۱۱	۴۵/۳	۶۹/۸
۱۱	۱۹۱۱-۱۹۱۲	۴۷	۶۷/۶
۱۲	۱۹۱۲-۱۹۱۳	۵۸	۶۹
۱۳	۱۹۱۳-۱۹۱۴	۵۵/۵۳	۷۱/۵۷
۱۴	۱۹۱۷-۱۹۱۸	۶۶/۲	۳۳/۷
۱۵	۱۹۱۸-۱۹۱۹	۸۰/۴	۱۹/۵
۱۶	۱۹۱۹-۱۹۲۰	۷۷	۲۲/۹
۱۷	۱۹۲۰-۱۹۲۱	۷۷/۸	۲۲/۱
۱۸	۱۹۲۱-۱۹۲۲	۷۷/۲	۲۲/۷

۱۹	۱۹۲۲-۱۹۲۳	۶۶/۹	۳۳
۲۰	۱۹۲۳-۱۹۲۴	۶۴/۳	۳۵/۷

Source: Row1-12 Entner,1990:78; Row13 Foran,2010:181; Row14-20)

(Pavlovich and et al,1978:196

در نگاه عمیق‌تر آنچه آشکار می‌شود، وجود نوعی مشروعیت اجتماعی نانوشته برای روس‌ها در روزمره‌ترین و عمیق‌ترین لایه‌های اجتماعی گیلان آن روز است. به گزارش چارلز عیسوی در اوایل جنگ جهانی اول حدود ۵۰۷۰ نفر از اتباع روسیه تنها در گیلان مشغول فعالیت‌های اقتصادی بودند که نقش بسزایی در رونق اقتصادی آن داشتند که البته این امر تنها یکی از پیامدهای آن بود (Karimi Gilayeh,2020:70). بنجامین نیز در مورد تمایل ارمنی‌های ایران برای گرفتن تابعیت روسیه و واسطه‌گری در تجارت به سبب تسلط بر چند زبان ترکی، روسی و فارسی می‌نویسد: «اتباع روسیه در ایران از همه کشورها بیش‌تر است، ولی غالب آنها ارمنی‌های متولد ایران هستند که تبعیت روسیه را پذیرفتند تا در رشت و تبریز و شهرهای دیگر شمالی با پشتیبانی یک دولت خارجی تجارت کنند» (Benjamin Greene Wheeler,1990:112). فارغ از ۱۶ دهاتی که در گیلان در عمل در اختیار روس‌ها بود، به نقل از خودزکو بیشتر مردم گیلان در نیمه دوم سده نوزدهم برای تجارت راحت‌تر با روس‌ها، مشتاقانه و بدون آموزش رسمی زبان روسی را آموخته بودند (Chodźko,1975:46). این سطح از نفوذ به‌خودی خود به روس‌ها نوعی اقتدار محلی اعطا می‌کرد که می‌بایست آن را فراتر از قدرت نظامی صرف تحلیل کرد، به‌طوری‌که در عمل وضع شمال ایران «با وضع کشورهای آسیای میانه که به روسیه ملحق شده بود، تفاوت اساسی نداشت. تفاوت موجود در شکل عمل بود» (Pavlovich and et al,1978:183). این وابستگی اگرچه برای کل کشور مفید نبود، به‌طور موضعی موجب ایجاد طبقه‌ای از بومیان شد که به لحاظ معیشتی از حکومت ایران مستقل شده و کم‌کم در سطح اجتماعی برجسته شدند. به تعبیر فوران در جمع‌بندی کلی دهقانان و کارگران در معرض سرمایه خارجی وضع به نسبت بهتری یافته‌اند. «از لحاظ کیفی، بخش کوچک سرمایه‌داری پدید آمده و طبقه کارگر بومی آن، برجسته‌تر از طبقه سرمایه‌دار بوده است. علت این برجستگی حضور سرمایه‌داران خارجی در ایران از یک سو و اشتغال کارگران ایرانی در صنایع روسیه از سوی دیگر است» (Foran,2010:214) که در نتیجه آن «سرمایه‌داران انگلیسی و روسی نیز در کنار طبقه کوچک سرمایه‌داران ایرانی، در ردیف طبقه‌های مسلط در ایران درآمدند» (Foran,2010:214).

۷. نتیجه

اصلي‌ترین نتیجه مطالب پیش‌گفته حول این محور است که هجوم سرمايه خارجی به شمال ایران به‌طور عام و به گیلان به‌طور خاص موجب شد که این خطه با سرعت زائدالوصفی وارد عصر صنعتی شده و در نظام اقتصادی نوین جهان ادغام شود. این ادغام به‌ویژه در دهه پایانی قاجار اگرچه با تنش‌ها و درگیری‌هایی همراه بود، ولی هرگز با مانع جدی مواجه نشد و روند نوسازی گیلان با وجود همه مصائب بی‌وقفه ادامه یافت. این روند بر پایه ورود گیلان به بازار تقسیم کار جهانی صورت گرفت و در عمل بازار گیلان را به بازار آزاد جهانی پسوند داد. طبعاً این پیوند در دو سطح صورت می‌گرفت: نخست ورود انبوه کالاهای مصرفی خارجی که بازار این خطه را اشباع کند و دوم ورود کالاهای سرمايه و سرمايه‌گذاری صنعتی و مالکیتی در گیلان. آنچنان‌که ولف اشاره کرده است در چنین وضعیتی نمی‌توان بازارهای محلی را تنها به‌عنوان بازارهای متکی به خود و درون‌گرا تحلیل کرد، بلکه برعکس شکل عملکرد آنها به‌طور کامل برون‌گرا و متأثر از شرایط جهانی خواهد بود. بر این پایه می‌توان پذیرفت که با پیدایش جهت‌گیری صادراتی در کشاورزی، شیلات، صنایع و جنگل‌های گیلان، در عمل وابستگی مناطق شهری و روستایی به لحاظ اقتصادی و اجتماعی به حکومت مرکزی کمتر و زمینه برای ایستادگی در برابر آن به‌صورت کامل فراهم شد. به‌گونه‌ای که در عمل ایستادگی در برابر حکومت هزینه چندان برای بومیان نداشت. این بی‌ثباتی سیاسی به‌حدی بود که در بازه ۱۸۷۶ تا ۱۹۰۸م (۱۲۵۵ - ۱۲۸۷ش) بیش از ۲۰ بار حکام گیلان تغییر یافتند (Shormij, 2019: 91). این دگرگونی فرمانداران گیلان در دهه‌های پایانی قاجار، در عمل بی‌ثباتی سیاسی بسیار شدیدی را در گیلان به‌وجود آورد که به لحاظ اجتماعی، زمینه‌ساز سایر تغییرات بود (Pourmohammadi, 2007: 57). در این میان طغیان بزرگ مالکان و تجار مستقل از حکومت مرکزی چون حاج احمد کسمایی، حسن معین‌الرعا، عظمیت خانم فولادوند، سردار منصور، سردار محی‌معزالسلطان، محمد ولی‌خان تنکابنی، امیر موید تنکابنی و ایستادگی گاه‌وبی‌گاه ایشان در برابر حکومت مرکز را می‌توان نتیجه همین منفک شدن نسبی گیلان از حکومت مرکزی و تغییر مکرر حکام محلی دانست. از این‌رو انباشت سرمايه محلی در پیوند با سرمايه خارجی موجب شد تا بومیان محلی کم‌کم تمایل کمتری برای برآوردن خواسته‌های حکومت مرکزی که در رأس آنها مالیات قرار داشت، داشته باشند و در نهایت از راه شورش‌های محلی امکان ابراز خواسته‌های خود را فراهم سازند.

قدردانی

لازم است از معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی و دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران و داوران محترم فصلنامه سیاست دانشگاه تهران بابت همکاری و همفکری ایشان قدردانی نماییم.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از سرقت ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

References

1. Abbott, W.J. (1996). "Tejārat and manāfeh-ye gilān dar sāl-e 1869, Trade and Interest of Gilan in 1869," trans. Ahmad Saif, Tārikh-e mo'āser Irān, Contemporary History of Iran, Vol 10. Tehran: Institute of Cultural Research and Studies of the Mostazfahān Foundation of the Islamic Revolution. **[In Persian]**
2. Abdollahyov, F. (1982). Rostāiyān-e Irān dar avākher-e qājārieh, Iran's Villagers in the Late Qajar Period, A Collection of Articles on Agrarian and Peasant Issues, trans. Marina Kazemzadeh. Tehran: Āgāh. **[In Persian]**
3. Abrahamian, E. (2021). Maghālāti dar jāme'eh'shenāsi siāsi Iran, Essays in Iran's Political Sociology, trans. Soheila Torabi Farsi. Tehran: Shirāzeh Ketāb Mā. **[In Persian]**
4. Alavi, S.A. (2006). Rejāl-e asr-e mashroteh (Elites of the Constitutional Age). Tehran: Asātir. **[In Persian]**
5. Ashraf, A. (1980). Mavāne'-e tārikhi-ye roshd-e sarmāyeh'dāri dar Irān-e doreh-ye qājārieh, Historical Obstacles of the Growth of Capitalism in Iran in the Qājār Era, Tehran: Zamineh. **[In Persian]**
6. Azimi Dobakhshari, N. (2012) Tārikh-e tahavolāt-e ejtemā'i and eghtesādi-ye gilān, History of Social and Economic Developments in Gilan, Rasht: Gilakān. **[In Persian]**
7. Behzadi, M.R.; Kasravi, R. (2019). Ahd'nāmeḥ-ye golestan and torkmanchāy, matn-e kāmel-e ahd'nāmeḥ'hā az roy-e ārshiv-e vezārat-e khārejeh-ye rosieh, Treaty of Golestan and Turkmanchai, the Full Text of the Treaties from the Archives of Russia's Ministry of Foreign Affairs, Tehran: Parandeh. **[In Persian]**
8. Benjamin Greene Wheeler, S. (1990). Irān and Irāniyān-e asr-e nāser al-din shah, Persia and the Persians in Qajar Era, Trans. Mohammad Hossein Kordbacheh. Tehran: Jāvidān. **[In Persian]**
9. Chodźko, A. (1975). Sarzamin-e gilān, The Land of Gilan, trans. Siros Sahami. Tehran: Payām. **[In Persian]**

10. Curzon, G.N. (1990). *Īrān and qaziyeh-e Iran, Persia and the Persian Question*, Trans. Vahid Mazandarani. Tehran: Elmi farhangi, Vols. 1-2. **[In Persian]**
11. D'allemagne, H.R. (1956). *Du Khorassan au pays des Backhtiaris: Trois mois de Voyage en Perse, From Khorasan to the Land of the Backhtiaris: Three Months of Travel in Persia*, Trans. Ali Mohammad Farahvoshi. Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
12. Detailed Documents of the Fifth Majles-e shorā-ye eslāmi, Session 154: April 1925 and Session 105: 29 November 1925 and Session 103: 1 January 1926," CD-ROM of Internal Documents of the 24th Session of the Islamic Consultative Assembly (lib.majles.ir). Available at: Majles Digital Library, <https://lib.majles.ir/parvan/home/>. **[In Persian]**
13. Document No. 16345/296, Ivanovski's Letter to Monajem'bāshi, (n.d.) Department of Non-book Document Collection, National Library and Records Organization of Iran (opac.nlai.ir). Available at: <http://opac.nlai.ir/opac-prod/search/searchDF.do> (Accessed 17 April 2023). **[In Persian]**
14. Document No: 12791-0-N, (n.d.) *Bā kārvan tārikh (sanad)*, the Digital Exhibition of Documents of the Institute of Contemporary History of Iran (iichs.org). Available at: <http://www.iichs.org> (Accessed 17 April 2023). **[In Persian]**
15. Document No: 14-127-40M, (n.d.) *Bā kārvan tārikh (sanad)*, Digital Exhibition of Documents of the Institute of Contemporary History of Iran (iichs.org). Available at: <http://www.iichs.org>. **[In Persian]**
16. Documents of the Ministry of Foreign Affairs (MFA). (2001) "Document No. 89: 213," "Document No. 97: 237," "Document No. 105: 252," "Document No. 123: 281," Documents on Iran-Russia Relations from Naser al-Din Shah Era to the Fall of the Qajar Dynasty, ed Fatemeh Ghaziha. Tehran: MFA. **[In Persian]**
17. Entner, M.L. (1990). *Russo-Persian Commercial Relations, 1828-1914*, trans. Ahmad Tavakoli. Tehran: Afshar Endowment. **[In Persian]**
18. Fakhraei, I. (1992). *Gilān dar jonbesh-e mashrotiyāt*, Gilan in the Constitutional Movement, Tehran: Enghelāb-e Eslāmi, 3rd ed. **[In Persian]**
19. Fakhteh-Jobneh, G (1992) "Ozāe'-e siyāsi, ejtemā'i and eghtesādi-ye gilān dar āstāneh-ye enghelāb-e mashrotiāt, Political, Social and Economic Conditions of Gilan on the Eve of the Constitutional Revolution," *Gilān'nāme*, Gilan Letter, Rasht: Tā'ati, Vol. 3. **[In Persian]**
20. Ferguson, F.D. (1976). "Rural/Urban Relations and Peasant Radicalism: A Preliminary Statement," *Comparative Studies in Society and History* 18, 1: 106-118, <DOI: 10.1017/S00104175 00008100>.
21. File Folder 108-102:1302, (n.d.) *Majmoe'h-ye scan-e asnād-e dijitali* (Digital Scanned Documents Collection). Tehran: Political Studies and Research Institute. Available at: <https://psri.ir> (Accessed 17 April 2023). **[In Persian]**

22. Foran, J. (2010). *Moghāvemāt-e shekanandehm tārikh-e tahavolāt-e ejtemā'i-ye Iran az 1500*, *Fragile Resistance: Social Transformation in Iran from 1500 to the Revolution*, Trans. Ahmad Tadayon. Tehran: Rasā. **[In Persian]**
23. Hasannejad, (2019). "Ravābet-e bāzār'hā-ye shomāl-e Iran bā bāzār'hā-ye tezāri dar doreh-ye safavi and Qājār, The Relationships between Northern Iranian Markets and Imperial Markets in the Qajar Era," *Tārikh-e andish*, *History of Thought*, 1, 4: 52-39. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1498092> (Accessed 18 April 2023). **[In Persian]**
24. Issawi, C. (1990). *Tārikh-e eghtesādi-ye Iran*, *Iran's Economic History*, trans. Yaqob Azhand. Tehran: Gostareh. **[In Persian]**
25. Issawi, C. (1999). "Nofoz-e eghtesādi-ye oropā and eghtesād-e Iran dar āstāneh-ye mashrotyat, 1872-1921, Economic Influence of Europe and Iran's Economy on the Threshold of Constitutionalism 1921-1872," trans. Nader Mir Saidi, *Fasl'nāme-ye tārikh-e mo'āser-e Iran*, *Iran's Contemporary History*, 3, 11: 69-94. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/418114>. **[In Persian]**
26. Jamalzadeh, M.A. (1956). *Ganj-e Shāyghān: ozae' eghtesādi-ye Iran*, *Ganj-e Shaygan: Iran's Economic Situation*, Tehran: Kāveh. **[In Persian]**
27. Karimi Gilayeh, Y. (2020). *Taa'moli yek gharn siyāsāt and eghtesād*, *A Reflection of Century of Politics and Economy in Gilan*, Tehran: Givā. **[In Persian]**
28. Katouzian, M.A.H. (1995). *Eghtesād-e siyāsi-ye Iran*, *The Political Economy of Modern Iran*, trans. Mohammad Reza Nafisi and Kambiz Azizi. Tehran: Markaz. **[In Persian]**
29. Kazembeigi, M.A. (2019). *Ravābet-e eghtesādi-ye Iran and rosiyeh az āghāz tā soghot-e qājārieh*, *Iran-Russian Economic Relations from the Beginning to the Fall of Qajar*, Tehran: Ministry of Foreign Affairs. **[In Persian]**
30. Khalilifar, S. (2018). "Nahād'hā-ye eghtesādi-ye Rasht dar doreh-ye safavi and Qājār, Economic Institutions of Rasht in the Safavid and Qajar Periods," *Nashriyeh-ye Tārikh'Andish*, *Journal of Historical Thinking*, 1, 2: 112-99. Available at: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1497800> (Accessed 18 April 2023). **[In Persian]**
31. Kulagina, L.M. (1980). *Estilā-ye empriālism bar Iran and tabdil-e in keshvar beh nimeh'mostamereh*, *The Conquest of Iran by Imperialism and the Transformation of This Country into a Semi-Colony*, Trans. Siros Yazidi. Tehran: Elm. **[In Persian]**
32. Leitten, W. (1988). *Iran Az nofoz-e mosālemāt'āميز tā taht'olhemāyategi: asnād and haghāyegh-e darbāreh-ye tārikh-e nofoz-e oropāin dar Iran*, *Iran from Peaceful Influence to Protectorate: Documents and Facts about the History of European Influence in Iran 1860-1919*, Trans. Maryam Mirahmadi. Tehran: Moin. **[In Persian]**

33. McDaniel, R.A. (1971). "Economic Change and Economic Resiliency in 19th Century Persia," *Iranian Studies* 4, 1: 36-49, <DOI: 10.1080/00210867108701407>.
34. Migdal, J.S. (1974). *Peasant, Politics and Revolution: Pressures toward Political and Social Change in the Third World*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
35. Millspaugh, A.C. (1977). *Mamoriyāt-e āmrīkai'hā dar Iran*, American Mission in Iran, Trans. Hossein Abotarabian. Tehran: Payām. **[In Persian]**
36. Motazed, Kh. (1987). *Haj Amin al-Zarb, tārikh-e sarmāyeh'gozāri-ye san'ati dar Iran*, Haj Amin al-Zarb, History of Industrial Investment in Iran, Tehran: Jamālzādeh. **[In Persian]**
37. Nadi, Z; and et al. (2018). "Roshd-e monāsebāt-e arbābi and tasir ān bar zendegi-ye keshāvarzān dar doreh-ye Qājār, The Growth of Landowner Relations and its Impact on the Life of Farmers during the Qajar Era, with an Emphasis on Northern Provinces of Iran," *Nashriyeh-e pajohesh'hā-ve tārikhi*, Journal of Historical Research, 9, 4: 277-292, <DOI:10.22108/jhr.2017.83592>.
38. Neshat, G. (1981). "From Bazaar to Market: Foreign Trade and Economic Development in Nineteenth-Century Iran," *Iranian Studies* 4, 1-2: 53-85. Available at: <http://www.jstor.org/stable/4310353> (Accessed 4 November 2023).
39. Nikitin, B. (1977). *Memoirs and Travelogues*, trans. Ali Mohammad Farahoshi. Tehran: Ma'rif, 2nd ed. **[In Persian]**
40. Noshirvani, S.V. (1982). *SAR'āghāz-e tejāri'shodan-e keshāvarzi dar Iran*, The Beginning of the Commercialization of Agriculture in Iran, in the Collection of Articles on Agricultural and Peasant, Tehran: Agāh. **[In Persian]**
41. Orsolle, E. (2003). *Le Caucase et la Perse*, trans. Ali Asghar Saidi. Tehran: Research Institute of Humanities and Cultural Studies. **[In Persian]**
42. Owen, E. (1983). *Iran Today*, trans. Ali Asghar Saidi. Tehran: Naqsh-e Jahān. **[In Persian]**
43. Pavlovich, M; and et al. (1978). *Ce maghāleh darbāreh-ye enqelāb-e mashroteh-ye Iran*, Three Essays on Iran's Constitutional Revolution, Trans. Maziar Hoshidar. Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
44. Pourmohammadi Amlashi, N. (2007). "Negareshi jāme'eh'shenākhti b josnbesh'hā-ye rostāi-ye gilān dar asr-e mashroteh, A Sociological Approach to the Rural Movements of Gilan in the Constitutional Era," *Faslnāme-ye tārikh*, History Quarterly, Mahalat University, 2, 7: 51-71. Available at: <https://ensani.ir/fa/article/9726> (Accessed 17 April 2023). **[In Persian]**
45. Rabino, H.L. (1987). *Velāyat-e dār'ol-marz-e Iran, gilān, Dārolmarz Provinces of Iran, Gilan*, Trans. Jafar Khammamizadeh. Rasht: Tāāti. **[In Persian]**
46. Shormij, M. (2019). "Naghsheh avāmel-e eghtesādi dar shekl'giri-ye jonbesh-e mashroteh-ye gilān, The Role of Economic Factors in the

- Formation of the Gilan Constitutional Movement, during 1911-1948 Period)," Pajohesh'hā-ye tarikhī-ye Iran and eslām. Journal of Historical Research of Iran and Islam, 13, 25: 85-102, <DOI:10.22111/jhr.2019.25346.2357>. **[In Persian]**
47. Torabi Farsani, S. (2005). Tojār, mashrotyat and dolat-e modern, Merchants, Constitutionalism and Modern Government, Tehran: Tārikh-e Īrān. **[In Persian]**
48. Wolf, E.R. (1969). Peasant Wars in the Twentieth Century. New York: Harper & Row.
49. Zagoria, D.S. (1976). "Introduction: Peasants and Revolution." Comparative Politics 8, 3: 321-326. Available at: <http://www.jstor.org/stable/421402> (Accessed 4 November 2023).

COPYRIGHTS

©2023 by the University of Tehran. Published by the University of Tehran Press. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



